

بررسی سندی و محتوایی حدیث «المرأة شر کلهما»

ارائه دهنده: سرکار خانم مریم مدملی

ناقدین: حجت الاسلام دکتر سید حیدر طباطبایی، حجت الاسلام دکتر محمدجواد عصار

مدیر کرسی: حجت الاسلام مهدی سازندگی

تاریخ برگزاری: اول شهریور ۱۴۰۲

پس از طرح آیاتی از کلام الله مجید و طرح ضوابط کلی جلسه کرسی و بیان طرح مسئله و میزان و درجه بندی اهمیت آن توسط مدیر کرسی (حجت الاسلام سازندگی) جلسه وارد بحث و بررسی علمی شد.

ارائه دهنده (خانم مدملی): از چالش‌های جدی فراروی اندیشمندان مسلمان، وجود احادیثی در نكوهش زنان است که بازپژوهی آنها می‌تواند نقش موثری در تبیین جایگاه زن در اندیشه اسلام داشته باشد. روایتی که زن را شر معرفی می‌کند، از این جمله است. این حدیث در بین مصادر حدیثی و تاریخی، اولین بار در نهج البلاغه و با مفهومی مشابه در کتب متأخر از نهج البلاغه آمده است. فارغ از مباحث سندی، ابهام در دلالت روایت، دیدگاه‌های متفاوتی را در مواجهه با این روایت شکل داده است؛ برخی روایت را جعلی دانسته و برخی آن را مطلقاً پذیرفته‌اند. خارجیه بودن قضیه و عرضی بودن مفهوم شر، نیز برای در امان ماندن از ابهام روایت، نقل شده است. به نظر می‌رسد ضعف سندی از یک سو و عدم سازگاری این حدیث با آموزه‌های قرآن و سایر روایات و نیز تعارض با سیره عملی معصومین از سوی دیگر، مانع از انتساب این حدیث به امام علی (ع) خواهد بود.

حدیث «المرأة شر کلهما» از جمله احادیثی است که اولین بار سیدرضی در نهج البلاغه از امام علی (ع) نقل کرده است. محتوای مذمت‌آمیز این روایت، علاوه بر اینکه استناد آن را به امام معصوم با تردیدی جدی مواجه کرده است، زمینه‌ساز تاویل‌ها و تفسیرهای متفاوتی نیز شده است. بررسی در منابع حدیثی شیعه و سنی حکایت از وجود ارسال در این روایت و نهایتاً ضعف سندی آن دارد. علاوه بر اینکه در هیچ کدام از اسناد عالمان سنی و شیعی، سندی قبل از سید رضی مبنی بر اینکه این حدیث از امام علی (ع) باشد، ذکر نشده است. فارغ از ضعف سندی روایت، عده‌ای از شارحان و مفسران نهج البلاغه، تلاش کرده‌اند تا با تبیین‌هایی ویژه، محتوای تحقیرآمیز این روایت را با فضای حاکم بر ادبیات دینی سازگار کنند. به همین جهت برخی مفهوم شر را عرضی و نسبی دانسته، برخی نیز مصادیق آن را محدود کرده‌اند و عده‌ای دیگر محتوای آن را جعلی دانسته و صدور آن را از امام علی (ع) رد کرده‌اند. به نظر می‌رسد علاوه بر ضعف سندی، تعارض محتوای این حدیث با گزاره‌های فاخر قرآنی مانند

گزاره‌های ناظر به امکان الگوگیری همه انسان‌ها از برخی از زنان و نیز معرفی زن به عنوان قرین و مکمل مرد از یکسو و تعارض با روایات اهل بیت (ع) و نیز با سایر روایاتی که در زمینه مدح و تمجید از زنان از امام علی (ع) نقل شده است، از سوی دیگر، مانع از انتساب این حدیث به امام علی (ع) باشد.

مسئله زن، از جمله مسائل مورد توجه تاریخ‌نگاران بوده است به طوری که با رجوع به متون تاریخی، می‌توان جایگاه اجتماعی زن در هر دوره تاریخی را شناخت. شواهد تاریخی حاکی از آن است که در دوره‌ای از تاریخ و در میان جوامع اولیه، زن به علت توان فرزندآوری و نگهداری از فرزندان، نقش اصلی را در خانواده ایفا می‌کرد. در این دوره از تاریخ رابطه مرد با فرزندان بسیار ضعیف بود و دور از زن و فرزندان زندگی می‌کرد. فرزندان به این علت که توسط مادر به دنیا آمده و توسط او نگهداری و بزرگ می‌شدند به زن تعلق داشتند. به جز این دوره کوتاه از تاریخ، زنان غالباً زیر سلطه و تحت ظلم مردان قرار داشتند.

در قوانین یونان و روم زن در ردیف بندگان و کودکان قرار داشت و از خود هیچ اختیاری نداشت. به طوری که در کودکی زیر نظر پدر، در جوانی مطیع شوهر و در دوران پیری نیز زیر نظر پسران خویش بود. در تمدن چین نیز زنان و دختران از ارزش اجتماعی برخوردار نبودند. ارزش زن تنها به فرزندآوری و تعداد و جنس فرزندان بود و فرزندان دختر نیز از کودکی برای خدمت به شوهر پرورش می‌یافتند. زن در میان تمدن مصر نسبت به جوامع دیگر وضع مناسبی داشت و نقش‌هایی که از زمان‌های باستانی مصر بر جای مانده نشانگر این است که زنان از آزادی، اختیار و احترام خاصی برخوردار بودند. در ایران باستان جایگاه زن در انواع حکومت‌ها متفاوت بود. از باب نمونه در حکومت اشکانی مردها اختیارات مطلق نداشتند و زنان نیز در قید و بند مطلق نبودند. ولی در حکومت ساسانی زن از ارزش و جایگاه مناسبی برخوردار نبود. به طوری که زن از نظر حقوقی در ردیف و هم‌تراز با بردگان محسوب می‌شد.

در ادیان جهان نیز شخصیت و جایگاه زن همواره مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که تمام ادیان درباره شخصیت و جایگاه زن و نحوه ارتباط او با جنس مخالف دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت و گاه مشابهی را بیان و ارائه نموده‌اند.

در ادیان غیرالهی معروف جهان زن از ارزش و جایگاه مناسب برخوردار نبود و همواره نگاه تحقیرآمیز به زن در میان آداب و رسوم این ادیان دیده می‌شود. در دین برهمن پسر از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار بود و حتی آداب مذهبی برای جلوگیری از تولد دختر به کار برده می‌شد. ولی با ظهور و گسترش اسلام زن توانست از ذلت و خواری که در طول تاریخ به آن گرفتار بود رهایی یابد. اسلام تساوی حقوق زن و مرد را اثبات کرده و ارزش و جایگاه انسانی او را به همه شناساند. با گسترش اسلام بسیاری از آداب رسوم نادرست جاهلی از بین رفت. به طوری که رسم زنده به گور کردن دختران با فرمان قرآن از میان برداشته شد. شوهر دادن زن بدون اجازه و رضایت او منع شد. زن و مرد از لحاظ تشریفات قضایی و استقلال مالی برابر شدند. زن اجازه یافت به هر صورت که مایل است در مال خود تصرف کند و به هر کار مجازی اشتغال ورزد. همچنین زن حق این را به دست آورد که اموال خود را به ارث گذاشته و همچنین ارث ببرد.

محتوای حدیث مذکور برخلاف فرمایشات قرآن است؛ چراکه در هیچ جای قرآن زن، شرور خطاب نشده است بلکه قرآن در برخی موارد برای برخی زنان مانند حضرت مریم و آسیه همسر فرعون مقام والایی در نظر می‌گیرد مقامی که کمتر مردی به پای آن می‌رسد. قرآن از این دوزن به عنوان الگو و اسوه نیکو حتی برای مردان یاد کرده است.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَذُنُوبَهَا كَالذُّبَابِ الْمَذْمُومِ مِنَ الثَّمَرَاتِ أَلَّا تَكُونِ مِنْ الْمُجْرِمِينَ وَنَجَّيْنَاهَا إِذْ كَانَتْ فِي الْغَاسِقِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت پروردگارا نزد خود برای من خانه‌ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم او کلمات پروردگار خویش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان (فرمان خدا) بود.»

همچنین قرآن کریم زنان مومن را در کنار مردان یاد کرده و برای آنان پاداش بزرگ در نظر گرفته است؛ برای مثال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

قرآن کریم زمانی که از مقام انسان و حقیقت او سخن می‌گوید او را صاحب کرامت معرفی کرده و تفاوتی میان زن و مرد قائل نمی‌شود. قرآن درباره استعدادها و امکانات مربوط به زن و مرد نیز نگرش واحدی دارد. قرآن استعدادهای درونی مثل برخوردار بودن از روح الهی، تسویه و تعدیل در خلقت، داشتن فطرت الهی، وجدان اخلاقی، در اهداف آفرینش مثل عبودیت، امتحان، شناخت قدرت الهی در ارزش‌های انسانی مثل ایمان، عمل صالح، دانش، تقوا، حضور اجتماعی و نظارت بر اعمال و رفتار جامعه و برخوردار بودن از حیاط طیبیه و پاداش الهی به جنس زن و مرد نگاه یکسانی داشته است.

به نظر می‌رسد انتساب حدیث المرثه شر کلها به امام علی علیه السلام صحیح نبوده بلکه این کلام یا از مأمون عباسی یا برخی از حکما نقل شده باشد که به اشتباه سید رضی آن را به امام علیه السلام نسبت داده است. عدم وجود هیچ مستند دیگری غیر از نهج البلاغه برای این حدیث که از حیث سند به عنوان اولین معیار برای فهم انتساب احادیث به معصومین و نیز وجود آیات متعددی که از جهت محتوایی مفهومی متفاوت از این کلام را می‌رسانند، موجب شده است وجود دارد که در انتساب احادیثی از این دست به معصوم تردید کرد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. ملک ۲، طلاق ۱۲، نحل ۹۷، مجادله ۱۱؛ زمر ۹، حجرات ۱۳، توبه ۷۱، نحل ۹۷، بقره ۱۸۷، نساء ۱۹

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر طباطبایی):

- نقاط قوت مقاله حائز اهمیت است؛ از جمله تبیین مناسب، جامعیت، منابع قابل توجه و...
- مبحث ارائه شده قدیمی است و باید به سمت موضوعات تمدنی و مورد نیاز جامعه حرکت کرد؛ به ویژه جایگاه و نقش تمدنی زن در تشکیل جامعه ایمانی.
- نقش بی بدیل بزرگ زنان تاریخ از جمله حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب کبری (علیها السلام) حاکی از متفاوت بودن مسئله با تلقی قائلین به تأیید حدیث است.
- وجه تعارض روایت با آیات قرآنی مشخص نیست.
- از جهت فقه الحدیث وجوه مختلف روایت و تعارض آن با آیات بررسی نشده و حقیقت ادا نشده است.
- عدم توجه لازم به مسئله غریب، تفرد روایت و شذوذ روایت، بزرگترین آسیب این روایت است.
- عدم رواج این روایت در مصادر روایی شیعه و بلکه عکس آن ضرورت ورود از این گونه موارد را دلالت می‌کند.
- قاعده رد علم، باب مهمی در نقد و تحلیل احادیث است که لازم بود به آن توجه وافی شود.
- عدم تنقیح دقیق مضمون روایت که حمل بر اهانت و توهین و تنقیص دارد؛ همچنین تجمیع آیات مختلف با مضامین متفاوت، نیاز به بازبینی دارد.
- صفحه ۹۶ نیاز به بررسی دارد.
- صفحه ۱۰۸ در جمع بندی موارد پنج گانه، تعارض با قرآن دارد.
- صفحه ۱۰۹ متن عربی نیامده است.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر عصار):

- نقاط قوت این مقاله عبارت است از تتبع و مراجعه به منابع متعدد، جامعیت پژوهش و دسته‌بندی مطالب تا جایی که تمام زوایای بحث را دربرمی‌گیرد، قلم روان و علمی و...
- شواهد عقلی، نقلی و عینی متعددی برخلاف حدیث نقل شده وجود دارد؛ ولی با توجه به نکاتی نمی‌توان نتیجه گرفت که این حدیث منسوب به امام نیست و به نظر می‌رسد تأویل و تبیین صحیح از حدیث به صواب نزدیکتر باشد.
- جایگاه سید رضی بر ارسال حدیث است و نمی‌توان جایگاه او را نادیده گرفت.
- نقل حدیث به صورت الفاظ متعدد (غیر واحد) دلیل بر آن است که روایت را بیشتر از یک نفر نقل کرده‌اند و این سبب اطمینان خاطر و ظن غالب می‌شود.
- بنای سید رضی به دلایل مختلف، بر نقل و ذکر سند نبوده و صرف اینکه در منابع قبل از ایشان نبوده، دلیل بر جعلی بودن نیست؛ ضمن اینکه گاهی اسناد روایت از دست رفته و بخشی از دلایل ارسال حدیث چه بسا این باشد.

- احتمالات دیگری وجود دارد که در تأویل حدیث مناسب است آورده شود؛ مانند: احتمال انشایی بودن و استفهامی بودن جمله با حذف اداة استفهام که توجه به لحن گوینده دارد؛ هم‌چنین ممکن است الف و لام «المرأة»، (ال) عهد ذهنی باشد و مراد از «المرأة» در ذهن امام، مخاطب حدیث باشد.
- توجه به معنای لغوی «شر» شود که گاهی به معنایی غیر از معنای معمول، استعمال می‌شود.

در پایان جلسه نیز مدیر کرسی (حجت الاسلام سازندگی) با جمع بندی مطالب طرح شده اعم از اشکالات اصلی و پاسخ های ارائه شده، ضمن ایجاد فضای پرسش و پاسخ علمی در جلسه به جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث کلی طرح شده در جلسه کرسی پرداختند.